

## نقش ویژگی‌های شخصیتی حضرت آسیه (س) در زوال حکومت فرعون

احمد امیری<sup>۱</sup>

احد داوری چلقائی<sup>۲</sup>

### چکیده

قرآن کریم زنان را همچون مردان در سرنوشت جامعه مؤثر می‌داند، از این رو برخی ویژگی‌های آن‌ها را به نیکی یاد کرده و بعضی نکات اعتقادی، اخلاقی و رفتاری آن‌ها را برشمرده است، آسیه (س)، همسر فرعون از جمله این زنان است که قرآن، دو مرحله حساس و تأثیرگذار از زندگی وی را روایت کرده است که بیانگر نقش مهم زنان در مسائل اجتماعی - سیاسی است. پژوهش حاضر با تحلیل آیات مربوط به حضرت آسیه (س) و با بهره‌گیری از منابع تاریخی، روایی و تفسیری، در پی تبیین نقش ویژگی‌های شخصیتی حضرت آسیه (س) در زوال حکومت فرعون و پیروزی حضرت موسی (ع) می‌باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد حضرت آسیه (س)، ابزار تحقق اراده الهی در نجات جان موسی (ع) بوده و حضور فعال و بصیرت بخش در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی داشته است و به‌عنوان یکی از نزدیک‌ترین افراد به فرعون، با ایمان به موسی (ع)، ابهت فرعون را شکسته و برای همه مردان و زنان عصر خویش و عصرهای بعد، در آزاداندیشی و استقلال فکری و عدم تأثیرپذیری از فساد محیط، الگو می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** زنان قرآنی، آسیه (س)، حضرت موسی (ع)، فرعون، قرآن کریم

<sup>۱</sup> . استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران ( نویسنده مسئول ) ahmadamiri@

iaut.ac.ir

<sup>۲</sup> . دکترای تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

## مقدمه

زنان در زندگی برخی شخصیت‌های بزرگ و تأثیرگذار تاریخ نقش برجسته‌ای دارند که تاریخ، بعضی از ایشان را در صفحات خود ثبت کرده و برخی دیگر در گمنامی یا گمنامی به سر می‌برند. نقش حضرت خدیجه (س) در استقامت و پیروزی پیامبر خاتم (ص)، نقش حضرت فاطمه (س) در اثبات حقانیت امام علی (ع)، نقش حضرت زینب (س) در تداوم اهداف عاشورای امام حسین (ع)، از جمله مواردی هستند که صفحات تاریخ به کرات از تلاش‌های آن‌ها سخن به میان آورده است. نقش حضرت آسیه (س) در نهضت حضرت موسی (ع) از جمله نگاره‌هایی است که به صورت بسیار جزئی در تاریخ نقل شده است، ولی تحلیل همین موارد باقیمانده نیز بیانگر تأثیر بسزایی است که ایشان در پیروزی دعوت موسی (ع) بر استکبار فرعون داشته است.

حضرت آسیه (س) نمونه شخصیتی بود که اثبات کرد در فضای خفقان فرعون‌ی هم می‌توان نفس تازه‌ای در کالبد جان آزاداندیشان دمید؛ لذا قرآن بدون توجه به جنسیت، از ایشان به‌عنوان الگو یاد کرده است (تحریم: ۱۱) آن هم در شرایطی که عرب‌ها ارزش چندانی برای زن در جامعه قائل نمی‌شدند، شرمندگی پدران از داشتن فرزند دختر (نحل: ۵۹) و زنده به گور کردن آن‌ها (تکویر: ۹) بخشی از جایگاه زن در زمان نزول قرآن را نشان می‌دهد؛ قرآن کریم برخلاف نظر بیشتر مردم عصر نزول، معیار کرامت را تقوا معرفی کرد (حجرات: ۱۳) و در آیات متعددی از حضور زنان در کنار مردان سخن به میان آورد (نساء: ۱۲۴؛ نحل: ۹۷؛ احزاب: ۳۵، ۵۸ و ۷۳؛ توبه: ۷۲؛ فتح: ۵؛ حدید: ۱۲، بروج: ۱۰، غافر: ۴۰). بررسی تلاش‌ها و موفقیت‌های آسیه (س) در مبارزه با انحرافات، می‌تواند بخشی از نظام کلی نقش زنان در ایجاد حکمرانی شایسته و مبارزه با انحرافات سیاسی - اجتماعی را روشن کند و به افراط و تفریط در تبیین نقش زنان در مسائل گوناگون پاسخ دهد.

علاوه بر قرآن، حضرت آسیه (س) امتیاز خاصی در اندیشه رهبران دینی دارد. بر اساس منابع شیعه و اهل تسنن، آخرین پیامبر الهی از این بانوی پرشکوب، به‌عنوان نمونه زنان بهشتی یاد کرده است: أَفْضَلُ نِسَاءِ الْجَنَّةِ أَرْبَعُ خَدِيجَةَ بِنْتِ خُوَيْلِدٍ وَ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ وَ أَسِيَّةُ بِنْتُ مُزَاحِمٍ أَمْرَأَةُ فِرْعَوْنَ (نسائی، ۱۴۱۱ ق، ج ۵: ۹۳ و ۹۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۳: ۱۶۲). همچنین آن حضرت در زمره زنان کامل معرفی شده (بخاری، ۱۴۱۰ ق: ۵ / ۳۷۸) که لحظه‌ای به وحی الهی شرک نوززیده است (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۷۴). از سوی دیگر رفتارهای این بانوی بردبار در روایت نبوی، به‌عنوان «معیار ثواب» برای بقیه مؤمنان در بهشت معرفی شده است: هر کس بر بداخلاقی همسرش صبر کند، خداوند به وی مانند ثواب آسیه بنت مزاحم را عطا می‌کند: مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خَلْقِ زَوْجِهَا أَعْطَاهَا اللَّهُ مِثْلَ ثَوَابِ أَسِيَّةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ (طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ۲۱۴).

بنابراین در نگاه قرآن و پیامبر (ص)، حضرت آسیه (س) جایگاه والایی دارد. پژوهش حاضر به دنبال تبیین چرایی این جایگاه است تا با تحلیل آیات مربوط به شخصیت ایشان و بهره‌گیری از منابع تاریخی، سنن، روایی و تفسیری روشن کند که ویژگی‌های شخصیتی حضرت آسیه (س) چگونه در زوال حکومت فرعون مؤثر بوده و به پیروزی نهضت حضرت موسی (ع) یاری رسانده است؟

### پیشینه پژوهش

درباره نقش زنان در حکومت‌ها از دیدگاه تعالیم اسلام آثاری تدوین شده است؛ از جمله زهرا یوسفیان در نشریه نامه جامعه، به بررسی عرصه‌های حضور زنان در دوره حکومت امام علی (ع) پرداخته است (یوسفیان، ۱۳۹۴: ۹۱ - ۱۱۴). برخی محققان نیز به‌طور خاص به بررسی حضور زنان در جنگ‌های عصر علوی اشاره کرده‌اند (مدنی، ۱۳۹۲: ۳ - ۴۴ و مؤمن، ۱۳۹۵: ۵۶ - ۷۷). مقالات دیگری نیز به انقلاب‌های معاصر پرداخته‌اند که از جمله می‌توان به مقاله «نقش زنان پس از انقلاب و استقرار نظام مشروطه» در نشریه آفاق علوم انسانی (امین پور، ۱۳۹۷: ۱۵ - ۳۲) اشاره کرد.

برخی پژوهش‌ها نیز زندگی حضرت آسیه (س) را واکاوی کرده‌اند، محمود شلبی (۱۹۹۲ م) و فاطمه بیات (۱۳۹۴) از جمله این پژوهشگران هستند که با تدوین کتاب در باره حضرت آسیه (س)، تاریخ زندگی وی را تبیین کرده‌اند، هر چند بیشتر مباحث خود را به حضرت موسی (ع) اختصاص داده‌اند. همچنین پایان‌نامه‌هایی در باره حضرت آسیه (س) تدوین شده است (هاشمی فر، ۱۳۸۵) که در برخی از آن‌ها الگو بودن حضرت آسیه (س) مورد توجه قرار گرفته است (یزدان مدد، ۱۳۸۹). سیده طاهره علویان کرانی در چند صفحه از پایان‌نامه خود با موضوع ویژگی‌های برجسته زنان مؤمن در قرآن به بررسی صفات و خصوصیات حضرت آسیه (س) از جمله ایمان، صبر، مناجات و ... پرداخته است (علویان کرانی، ۱۳۹۱: ۱۳۱ - ۱۴۱). محققانی هم هستند که از جنبه‌های دیگر به این شخصیت مهم پرداخته‌اند، مثلاً جایگاه تأویلی آن حضرت را در متون عرفانی مورد بررسی قرار داده‌اند (زمردی، ۱۳۹۲). با ملاحظه آثار فوق روشن می‌شود که به‌رغم تلاش تعدادی از پژوهشگران در بررسی موضوعات مرتبط با زنان به‌ویژه حضرت آسیه (س)، منبع مستقل یا غیرمستقلی، نقش حضرت آسیه (س) در زوال حکومت فرعون یا زمینه‌سازی برای پیروزی حضرت موسی (ع) از نگاه تعالیم دینی مورد اشاره قرار نداده است.

### - معرفی اجمالی حضرت آسیه (س)

تورق صفحات کتب تاریخی، اطلاعات چندانی از آسیه ارائه نمی‌کند، در قرآن کریم نیز نامی از وی به میان نیامده است؛ اما با تعبیر «امراة فرعون» به‌گونه‌ای شایسته، به ارتباط سببی وی با

فرعون زمان حضرت موسی (رامسس دوم) اشاره شده است (قصص: ۹؛ تحریم: ۱۱). در روایات از ایشان با نام «آسیه دختر مزاحم» یاد شده است (ابن حبیب، بی تا، ص: ۳۸۹، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، ج ۳: ۳۳۷؛ طوسی، بی تا، ج ۱۰: ۵۴).

در باره نسب وی نیز اخبار متناقضی وجود دارد، طبق برخی اخبار، وی از نسل پادشاه زمان یوسف (ع) بود (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۱: ۳۹۲؛ ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ۲۷۶)، برخی نیز وی را یکی از زنان بنی اسرائیل دانسته‌اند (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۱: ۳۹۲؛ ابن عساکر، ۱۴۱۸ ق، ج ۶: ۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۳۷۸). برخی اخبار ضعیف نیز حاکی از این است که وی، عمه حضرت موسی (ع) بود (ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ۲۳۹).

هر چند طبق تعالیم دینی، تأثیر نسب در تکوین شخصیت بی تأثیر نیست (حجتی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۶۷-۷۳)؛ ولی ویژگی‌های ذکر شده قرآن برای حضرت آسیه (س)، فراتر از نسب وی می‌باشد و لذا بررسی نسب و تحلیل نقش آن در زوال حکومت فرعون، بیشتر جنبه تاریخی پیدا می‌کند.

#### -نقش ویژگی‌های شخصیتی حضرت آسیه (س) در زوال حکومت فرعون-

برای تحلیل رفتار اشخاص علاوه بر محتوای مطالب باقیمانده در باره وی، بررسی زمینه‌های فکری، اجتماعی، تاریخی و فرهنگی زمان حیات وی نیز ضروری است (واعظی، ۱۳۸۳: ۳۰)، لذا باید همه قرینه‌های مقامی نظیر شرایط اجتماعی، تاریخی، فضای فرهنگی و شرایط مخاطب در کنار عناصر زبانی مورد توجه قرار گیرد (مسعودی، ۱۳۸۴: ۱۲۸). تحلیل شاخص‌های اثرگذاری حضرت آسیه (س) در زوال حکومت فرعون نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ از این رو در تبیین آن، علاوه بر تحلیل محتوای تعابیر قرآن، فضای صدور کلام وحی، سیاق آیات و شرایط فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر زندگی حضرت آسیه (س) مورد توجه قرار می‌گیرد. با توجه به این مضمون، تأثیر ویژگی‌های شخصیتی حضرت آسیه (س) در زوال حکومت فرعون در گویه‌های زیر قابل احصاء است:

#### -ابزار تحقق اراده الهی در نجات جان موسی (ع)-

حضرت موسی (ع) مهم‌ترین و قوی‌ترین دشمن فرعون بود که بارها با فرعون منازعه کرد و سرانجام با اراده الهی، تعداد زیادی از قوم بنی اسرائیل را از دست فرعون نجات داد و فرعون در تعقیب آن‌ها، در رود نیل غرق و نابود شد. موسی (ع) مهم‌ترین نقش را در نابودی حکومت فرعون داشت، ولی اراده الهی بر آن تحقق یافته بود که نجات جان موسی توسط آسیه (س) اتفاق بیفتد، آن هم در مرحله‌ای از زندگی موسی (ع) که هیچ‌کسی نمی‌توانست مانع از مرگ وی گردد.

فرعون حاکم مصر و همسر آسیه بود، بر اساس آیات قرآن، فردی طاغی (طه: ۴۳ و ۵۷) مفسد (قصص: ۴ و ۶)، دیکتاتور (اعراف: ۱۲۰ و ۱۲۳) و مستکبری بود (قصص: ۳۸ - ۴۰:

زخرف: ۴۶ - ۵۱) که ادعای مالکیت بر مصر (زخرف: ۵۱) و توهم خدایی داشت (نازعات: ۲۴؛ قصص: ۳۸؛ زخرف: ۵۱). فرهنگ توأم با شرک مصریان در آن زمان (اعراف: ۱۲۷) و اعتقاد مردم به شأن ربوبی فرعون (نازعات: ۲۴) بر قدرت بلامنازع فرعون می‌افزود. وی در کاخ‌های بزرگی که با ظلم و سلطه بر مردم ساخته بود زندگی می‌کرد (اعراف: ۱۳۷؛ زخرف: ۵۱؛ غافر: ۳۶ و ۳۷؛ قصص: ۳۸؛ شعراء: ۵۷ و ۵۸) و با تفرقه‌افکنی در بین مردم مصر آسان‌تر به مقصود خود در سلطه بر مردم دست می‌یافت (قصص: ۴ - ۶). علاوه بر این، ترویج جادوگری در آن سرزمین باعث توسعه سیطره و هژمونی فرعون گشته بود (اعراف: ۱۰۴، ۱۰۹ و ۱۱۰، ۱۲۰ و ۱۲۳؛ طه: ۴۳، ۵۷، ۶۳؛ شعراء: ۳۴ و ۳۵). وی از آموزه‌های جادوگران برای پیش‌بینی و پیشگویی آینده بهره می‌برد. پیشگویی آینده در مصر، مسبوق به سابقه بود، چنان نشانه‌هایی از آن در زمان اجداد فرعون در پیشگویی سال‌های خشک‌سالی در قرآن مورد اشاره قرار گرفته است (یوسف: ۴۳ - ۴۹).

کاهنان در تعبیر خوابی که فرعون دیده بود، پیشگویی کردند پسری در بنی‌اسرائیل متولد خواهد شد که طومار حکومت فرعون را برمی‌چیند (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۰: ۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۳۷۵). برای پیشگیری از مشکل، فرعون دستور داد هر نوزاد پسری که در بنی‌اسرائیل متولد می‌شود کشته شود (قصص: ۴). در این زمان موسی متولد شد، مادرش با الهامی خدایی، برای نجات موسی، او را شیر داد و در صندوقی نهاد و به رود نیل انداخت (قصص ۷؛ طه: ۳۷ - ۳۹). خاندان فرعون، صندوق چوبی از رود نیل گرفتند و کودکی درون آن یافتند (قصص: ۸). فرعون فرزند پسری نداشت، لذا وقتی موسی را از دریای نیل گرفتند، آسیه از فرعون خواست که از کشتن وی منصرف شده و وی را به‌عنوان فرزندخوانده بپذیرد (قصص: ۹)؛ با پذیرش این پیشنهاد از سوی فرعون، مانع کشته شدن موسی (ع) گشت.

تحلیل تعابیر به‌کاررفته توسط آسیه، بیانگر زیرکی، کاردانی، موقعیت‌شناسی و نفوذ وی در حکومت فرعون است که دستور کلی فرعون در کشتن فرزندان پسر بنی‌اسرائیل (اعراف: ۱۴۱؛ قصص: ۴ و ۹) با وساطت وی، نقض گردید: قرآن سخن آسیه را چنین نقل می‌کند: وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرْتُ عَيْنٍ لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (قصص: ۹) همسر فرعون گفت [این کودک] نور چشم من و تو خواهد بود او را مکشید شاید برای ما سودمند باشد یا او را به فرزندی بگیریم ولی آن‌ها خبر نداشتند [که این طفل همان کودک موعود است]. آسیه با ارائه پیشنهاد سریع و به‌موقع، با استفاده از کلمات عاطفی و دل‌نشین از القای طرح قتل موسی جلوگیری کرد (قرآنی، ۱۳۸۹، ج ۷: ۲۲). وی ابتدا از واژه «لا تقتلوه» استفاده نمی‌کند که مخالف امر همسرش صحبت کرده باشد؛ بلکه از واژه‌هایی استفاده می‌کند که انرژی مثبت داشته باشد. لذا از تعبیر «قره عین» استفاده می‌کند، بعد بلافاصله می‌گوید: «لی و لك» به این ترتیب خود را در کنار همسرش قرار می‌دهد و با تعبیر «ینفعنا» به منفعت احتمالی فرعون در آینده از

این کودک اشاره می‌کند (آل رسول: ۱۵۹ و ۱۶۰). استفاده از تعبیر جمع در عبارت «لا تقتلوه» می‌تواند برای تعظیم و بزرگداشت فرعون باشد<sup>۱</sup> (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۷: ۲۷۷؛ ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۲۰: ۲۰ و ۲۱) تا نظر مساعد وی برای نکشتن موسی را بیشتر جلب کند.

فرعون صاحب فرزند پسر نبود و علاقه داشت تا صاحب فرزندی برای جانشینی حکومت بزرگ خود گردد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷: ۳۷۸؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ق، ج ۱: ۳۳۴). آسیه (س) به دنبال رفع این نقصان، پیشنهاد فرزندخواندگی داد، سنت فرزندخواندگی در مصر (حداقل برای طبقه مرفه) رواج داشت، چنانکه پیش‌تر، عزیز مصر، یوسف را فرزندخوانده خود انتخاب کرده بود (یوسف: ۲۱). آگاهی آسیه (س) از آن زمینه‌ای بود تا بتواند فرعون را با خود در این مسیر همراه کند. از طرف دیگر به فواید احتمالی چنین فرزندی در آینده به‌طور اجمال اشاره می‌کند تا حس فزون‌طلبی فرعون را نیز تحریک کرده و بتواند موسی را زنده نگه دارد.

همچنین می‌توان عبارت «فَرَّتْ عَيْنُ لِي وَلَكَ» را به‌عنوان قسم دانست (ابن عاشور، ۱۹۸۴، ج ۲۰: ۲۰). طبق این تفسیر آسیه، قسم یاد می‌کند یا فرعون را قسم می‌دهد که موسی را نکشد؛ با فرض معنای قسم برای آیه، تلاش آسیه در نجات جان موسی (ع) بیشتر نمایان می‌شود.

نحوه نجات جان موسی با برخی استدلال‌های آسیه همراه بود، از جمله گفته‌اند: با توجه به منطقه جغرافیایی سکونت بنی‌اسرائیل در مصر، آسیه استدلال کرد این کودک از بنی‌اسرائیل نیست و آب، آن را از منطقه دیگری آورده است (طبرانی، ۲۰۰۸، م، ج ۵: ۵۳؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ق، ج ۲: ۵۹۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ج ۳: ۳۹۴). نیز گفته‌اند: آسیه به جثه بزرگ موسی استناد کرد که این کودک قبل از خبر دادن کاهنان به تولد فرزندی از بنی‌اسرائیل متولد شده است (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، م، ج ۵: ۱۴۳؛ سمرقندی، ۱۴۱۶، ق، ج ۲: ۵۹۹) جمع میان این دو نظر نیز امکان دارد و درایت آسیه را می‌رساند. برخی شواهد نیز در اینجا به کمک آسیه آمده است تا فرعون بر سودمند بودن کودک متقاعد شده و از قتل وی منصرف شود، از جمله شفا یافتن مرض پوستی تنها دختر فرعون با آب دهان موسی که اطبا از درمانش عاجز بودند و کاهنان گفته بودند این کودک با آب دهان موجودی که از نیل بیرون می‌آید شفا می‌یابد (زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ج ۳: ۳۹۴؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ق، ج ۴: ۱۷۲).

برخی منابع نقش حضرت آسیه در نجات جان موسی را منحصر به زمان نوزادی نداشته‌اند، بلکه ماجرای دیگری به این شرح نقل کرده‌اند که موسی روزی در دوران کودکی، ریش فرعون را گرفت و کشید، فرعون عصبانی شد و دستور قتل موسی را داد. آسیه کودکی موسی را بهانه قرار داد و مجدداً جانش را نجات داد (طبری، ۱۳۸۷، ق، ج ۱: ۳۹۰؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ق، ج ۱: ۱۷۳؛

۱. برخی گفته‌اند خطاب جمع کلمه «قل للشرط» را در تقدیر دارد، یعنی برای عمال و کارگزاران بگو که او را نکشد (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص: ۲۷۷) یا خطاب به فرعون و بقیه کارگزارانش گفته شده است (کاشانی، ۱۴۲۳، ق، ج ۵: ۱۴۲).

ابن جوزی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۳۳۴) طبق نظر برخی مفسران دلیل لکنت زبان موسی (ع) همین ماجراست که آسیه برای اثبات صغر سن موسی، در یک طرف یاقوتی قرار داد و در طرف دیگر زغال آتشین. موسی زغال آتشین را در دست گرفت و در دهانش گذاشت که زبانش سوخت. آیه وَ اَحْلُلْ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي (طه: ۲۷) اشاره به همین ماجرا دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷ ص ۱۵؛ طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۱۶: ۱۲۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۲ ص ۴۳). طبق برخی نقل‌ها این ماجرا در زمان گرفتن موسی از نیل اتفاق افتاده است (ابن عطیه، ۱۴۲۲ ق، ج ۴: ۲۷۸) که با توانایی نوزاد برای گرفتن ریش فرعون و حرکت برای انتخاب یاقوت یا زغال آتشین، ناسازگار به نظر می‌رسد.

نقش آسیه در نجات موسی، زمانی بیشتر نمایان می‌شود که به فضای نزول سوره توجه شود، یعنی رخدادها و شرایط ویژه‌ای زمان نزول سوره در محدوده زندگی مسلمانان بررسی شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱: ۲۳۵ - ۲۳۷). ماجرای نجات موسی در کودکی توسط آسیه در سوره قصص آمده است، این سوره در سال‌های ۱۱ و ۱۲ بعثت یعنی آخرین سال‌های مقاومت و پایداری در مکه نازل شده است که حضرت خدیجه (س) و ابوطالب پشتیبان عظیم و حامی بزرگ او وفات یافته و قریش در آزار و شکنجه پیامبر اکرم (ص) گستاخ‌تر شده‌اند و مسلمانان در ضعف و استضعاف و مشرکان در قدرت و استکبار به سر می‌برند (قطب، ۱۴۱۲ ق، ج ۵: ۲۶۷۳؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ ق، ج ۲۲: ۲۸۷؛ بازرگان، ۱۳۷۲، ج ۲: ۹۰). غرض نزول سوره، وعده پیروزی مسلمانان مکه از راه تضمین پشتیبانی و نگهداری رهبرانشان و نیز وعده شکست جریان مستکبر و قدرتمند مکه می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۲۷ ق، ج ۱۶: ۶؛ بهجت پور، ۱۳۹۰، ج ۴: ۲۶۸) این سوره با ماجرای موسی و فرعون آغاز شده و برخی خصوصیات فرعون از جمله برتری‌جویی، تفرقه‌افکنی، استضعاف و کشتار بنی‌اسرائیل توسط وی را مورد اشاره قرار داده و در جهت مقابل از اراده خداوند بر نجات مستضعفان و پیشوایی و وراثت آن‌ها در زمین سخن می‌گوید. (بازرگان، ۱۳۷۲، ج ۲: ۹۱؛ مدرسی، ۱۴۱۹ ق، ج ۹: ۲۵۰).

با توجه به فضای نزول سوره و غرض آن، اشاره به حمایت آسیه از موسی در کودکی و نجات جان وی با زمان رحلت حضرت خدیجه (س) تقریباً به صورت هم‌زمان مطرح شده است. از سوی دیگر روایات متعددی هم از هم‌نشینی این دو بانوی بزرگ در بهشت و فضیلت آن‌ها آمده است - که اسناد آن گذشت - این دو مطلب می‌تواند بیانگر ارتباط حمایت آسیه از موسی با حمایت خدیجه (س) از محمد (ص) باشد که خدا با یادکرد فداکاری و درایت یکی از بزرگ‌زنان عصر فرعون از موسی، به فداکاری‌های حضرت خدیجه (س) در دوران سختی‌های مکه و عدم تأثیرپذیری هر دو از محیط شرک‌آلود اشاره می‌کند و هر دو را مصداق اراده الهی در پیروزی استضعاف بر استکبار معرفی می‌کند؛ بنابراین پیشنهاد آسیه برای فرزندخواندگی موسی، مصداقی بود از اراده تحقق الهی در آیه وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ

أُمَّةً وَنَجَّلَهُمُ الْوَارِثِينَ (قصص: ۵) که نشان می‌دهد اراده خدا در نجات جان حضرت موسی در کودکی از مجرای آسیه می‌گذرد.

ناگفته نماند برخلاف قرآن کریم، کتاب مقدس ناجی موسی در نوزادی را دختر فرعون می‌داند (کتاب مقدس، خروج، فصل دوم، آیه ۵؛ اعمال رسولان، فصل ۷، آیه ۲۱، رساله به عبرانیان، فصل ۱۱، آیه ۲۴). اگر نسب آسیه از نسل فراعنه پیشین باشد هر دو تعبیر قرآن و کتاب مقدس صحیح بوده و بین آن‌ها تناقضی نخواهد بود. البته درخواست فرزندی و نفع طلبی از آن با مقام همسری بیشتر سازگار است.

### - حضور فعال و بصیرت بخشی سیاسی - اجتماعی

برخی تفاوت‌های جسمی و روانی زنان با مردان باعث شده است که به صورت متفاوت به این دو جنس نگاه شود، از این رو دخالت زنان در مسائل سیاسی و اجتماعی با برخی محدودیت‌ها مواجه می‌شود، قرآن کریم ضمن رعایت تفاوت‌های زن و مرد، حضور هر دو جنس را در تحولات سیاسی لازم شمرده است. زنان حدود نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند و لذا در سعادت و شقاوت آن و تعیین مسیر حرکت کلی جامعه، می‌توانند نقش بسیار مهمی ایفا کنند. حکومت‌هایی که در قرآن کریم به نوعی مورد اشاره قرار گرفته است - به‌رغم تفاوت‌های نسبی با حکومت‌های معاصر - از حضور برخی زنان خالی نیست به طوری که در حوادث تلخ و سخت تاریخ، همواره زنان و مردان مؤمن در کنار یکدیگر بوده‌اند و نقش زنان در حرکت‌های اصلاحی و انقلابی فراموش‌نشده است؛ لذا ستمگران جنایتکار نیز، آنان را همچون مردان مورد آزار و شکنجه قرار می‌دادند (قرآنی، ۱۳۸۹، ج ۱۰: ۴۳۶).

بررسی رفتار حضرت آسیه (س)، بیانگر آگاهی وی از تحولات سیاسی و اجتماعی عصر خود به‌عنوان یکی از زنان برجسته دربار فرعون است، با توجه به قدرت و نعمت فراوانی که وی به‌عنوان ملکه پادشاه در اختیار داشت، می‌توانست همچون خیلی از زنان مرفه مصری به خوش‌گذرانی‌های مرسوم بپردازد که نمونه‌هایی از آن در تاریخ زنان درباری در عصرهای پیش از وی وجود داشت (یوسف: ۳۰ و ۳۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف، ج ۴۰: ۴۴۳ - ۴۵۲). ماجرای نجات دادن موسی از مرگ در دوران کودکی و درایتی که در مجاب کردن فرعون و بقیه درباریان داشت آگاهی‌های وی از شرایط اجتماعی - سیاسی و دستورات پادشاه و مجریان را نشان می‌دهد، همچنان که اطلاع وی از سنت‌های گذشتگان مبنی بر امکان تبنی و پذیرش فرزندخوانده در مصر را اثبات می‌کند.

تأثیرگذاری بر شخصیت فرعون به‌رغم خصوصیات طغیانگری که داشت و تغییر نظر وی در قتل موسی بیانگر دخالت آسیه در برخی امور اجرایی حکومت است که خداوند به نیکی از آن یاد کرده است (قصص: ۹)، پس از منصرف کردن فرعون از قتل موسی، انتخاب و پذیرش مادر



موسی به‌عنوان دایه (قصص: ۱۲ و ۱۳) از دیگر مواردی است که نقش و حضور فعال آسیه را در مسائل مختلف سیاسی و اجتماعی اثبات می‌کند

آزاداندیشی و استقلال فکری آسیه در زمان‌های بعدی به‌ویژه زمان اظهار ایمان به موسی بیشتر نمایان می‌شود، ایمان حضرت آسیه (س) به خداوند باعث شد تا به لذت‌های گذرا، محدود و آسیب‌پذیر دنیایی اکتفا نکرده و دنبال آرمان‌های بلند باشد، وی همه کاخ‌ها، موقعیت‌ها و امکانات مادی را فدای آرمانی کرد که به حقانیت آن پی برده بود، برای رسیدن به این هدف نیز همه مشکلات را تحمل کرد و با صراحت، اعتقاد خود را مطرح کرد تا برای همه مردان و زنان بیان کند که برای رسیدن به آرمان‌ها باید سختی‌ها را تحمل کرد و به بهانه‌های واهی دست از اهداف بلند نکشید. امکاناتی که در مصر برای دستگاه حکومت و فرعون فراهم شده بود، مانع از تصمیم‌های آزادانه آسیه نگردیده است. تمدن مادی بزرگ (شعراء: ۵۳ و ۵۷ و ۵۸؛ غافر: ۳۶؛ قصص: ۳۸؛ زخرف: ۵۱؛ دخان: ۱۷ و ۲۴-۲۷)، کاخ‌ها و سایه‌افکن‌های مرتفع (اعراف: ۱۳۷)، باغ‌ها و چشمه‌ساران زیبا (شعراء: ۵۳ و ۵۷؛ دخان: ۱۷ و ۲۵؛ زخرف: ۵۱) مانع از این نگردید که آسیه در مواجهه با حق و حقیقت، به ظواهر مادی اکتفا کند؛ لذا وقتی معجزات موسی را دید به خدای موسی ایمان آورد (طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۸: ۱۱۰، شلبی، ۱۴۱۲ ق: ۳۳۴)؛ بنابراین رمز موفقیت آسیه در گسستن حجاب‌های شرک و فرعون پرستی، استقلال فکری وی بود که مانع از انحراف گردید، وی با دیدن معجزات متمایز موسوی، با تفکر، اندیشه و تأثیر نپذیرفتن از محیط، خانواده و جامعه، شعله‌های ایمانش را روز به روز بیشتر کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۰۰).

تحلیل عملکرد فرعون در مقابل موسی نشان می‌دهد ایمان آسیه (س) سطحی نبود، زمانی که فرعون برای غلبه بر دشمن خود، علاوه بر سحر ساحران (اعراف: ۱۱۱ و ۱۱۲؛ یونس: ۷۹؛ طه: ۶۰؛ شعراء: ۳۶ - ۳۸) از جنگ‌های روانی نظیر عدم تفاوت موسی با سایر انسان‌ها (مؤمنون: ۴۵ - ۴۷)، نداشتن تمکن مادی (زخرف: ۵۱ - ۵۴) و حتی تهمت مفسد بودن (اعراف: ۱۲۷) استفاده کرد، آسیه با شناخت ارزش‌های واقعی و ضد ارزش‌های حقیقی از ایمان خویش روی گردان نشد. قاطعیت آسیه در پیمودن مسیر حق نشان می‌دهد که برخلاف مشهور ادبیات مردسالارانه، زنان، سست‌عنصر و متزلزل نیستند؛ زیرا وی با این مقاومت در برابر فشارهای فرعون ایستادگی کرد و حاضر نشد جز خدا را بپرستد (صانع پور، ۱۳۹۶: ۱۳۵). از آنجایی که مشارکت سیاسی درگیر شدن فرد در سطوح گوناگون فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام سیاسی رسمی است (راش، ۱۳۷۷: ۱۲۳) می‌توان از فعالیت‌های آسیه، به‌رغم محدودیت‌های خاص در حکومت فرعون، مشارکت سیاسی را برداشت کرد که قدمی در راستای زوال حکومت فرعون و پیروزی موسی بود.

### - آسیب به حکومت فرعون با ایمان آوردن نزدیک‌ترین فرد

همراهی خانواده، خویشان و نزدیکان رهبران و حاکمان، نقش مهمی در پیروزی و موفقیت آن‌ها دارد، به همین جهت است که در قرآن نقش زنان پیامبر به‌عنوان خانواده و نزدیکان، از دیگر افراد متمایز شده و به خاطر نعمت نزدیکی به پیامبر دو برابر در کارهای نیک ثواب می‌برند (احزاب: ۳۱) و در صورت تخلف نیز عذاب دوچندانی در انتظارشان خواهد بود: يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (احزاب: ۳۰). لذا گناه و ثواب افراد با شخصیت، مضاعف است؛ زیرا این افراد هم به خویشان تعلق دارند و هم به جامعه متعلق هستند و برنامه زندگی آن‌ها می‌تواند مسیر حرکت و آیین جمعی از مردم را مشخص کند؛ لذا رفتار آن‌ها دارای دو اثر فردی و اجتماعی است و هر یک از ابعاد دارای پاداش و کیفری مجزا هستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۲۸۴ و ۲۸۵).

آسیه ملکه بزرگ مصر بود (شلی، ۱۴۱۲ ق: ۲۱)؛ لذا جایگاه خاصی در نزد فرعون و سران حکومت و مردم مصر داشت، ابراز ایمان چنین شخصیتی، بزرگ‌ترین ضربه به فرعون است که یکی از نزدیک‌ترین افرادش، به سمت دشمن سوق پیدا کرده و به وی پیوسته است و به‌رغم شکنجه و تهدید به مرگ، از تصمیم خود منصرف نشده است. آسیه (س) که با دیدن معجزات حضرت موسی (ع) به وی ایمان آورده بود، مدتی ایمان خود را مخفی داشته و خدا را پنهانی عبادت می‌کرد (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ق، ج ۱: ۳۳۶؛ طوسی، ۱۴۱۴ ق: ۷۰۷)؛ و طبق برخی روایات، پس از ایمان به پیامبر زمان خود، هرگز شرک نورزید (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۷۴) زمانی که همسر حزقیل (خزانه‌دار فرعون) به سبب ایمانش توسط فرعون کشته شد؛ آسیه ضمن اعتراض به فرعون، ایمان خود را آشکار ساخت (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱۰: ۴۸۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲۰: ۲۶۸). آسیه با آگاهی از عواقب مخالفت با باورهای فرعون در حکومتی، ایمان خود را اظهار کرد که می‌دانست در مصر برخی محدودیت‌های قانونی برای اشخاص به‌ویژه بزرگان وجود دارد؛ مثلاً خیانت، ضد ارزش تلقی می‌شود (یوسف: ۲۳ - ۲۵)، زندان‌های متعددی برای اجرای مجازات ایجاد شده است (شعراء: ۲۳ و ۲۹؛ یوسف: ۲۵، ۳۳، ۳۶، ۳۹، ۴۲) و حتی حکم اعدام برای برخی مخالفان وجود دارد و اجرا می‌شود (اعراف: ۱۲۰ - ۱۲۴؛ یوسف: ۴۱؛ طه: ۷۱؛ شعراء: ۴۹).

ایمان آسیه (س)، یکی از بزرگ‌ترین موفقیت‌ها برای موسی و یکی از بزرگ‌ترین ضربه‌های روانی به دستگاه مستکبر فرعون بود، عکس‌العمل تأثیرگذار حضرت آسیه پس از تقابل با فرعون، نشئت‌گرفته از دگرگونی اساسی است که موسی (ع) ایجاد کرده بود، فرعون وقتی از ایمان آسیه (س) آگاه شد وی را تحت شکنجه قرار داد تا سرانجام به لقای خدایش رسید.<sup>۱</sup> قرآن کریم

۱. فرعون دستور داد سنگ بزرگی بر سر آسیه بیفکنند تا زیر سنگ خرد شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۹: ۳۴۶). بعضی نیز گفته‌اند او را با چهار میخ بر زمین کوبید و سینه‌اش را شکنجه کرد و بر روی سینه‌اش سنگ آسیایی قرار داد و در برابر نور خورشید رهاش کرد تا با شکنجه از دنیا برود (کاشانی، بی‌تا، ج ۹: ۳۴۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۴: ۳۵)؛ برخی نیز گفته‌اند وقتی

عکس‌العمل آسیه (س) را در مقابل فرعون و شکنجه‌اش چنین نقل کرده است: وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (تحریم: ۱۱) «و برای کسانی که ایمان آورده‌اند خدا همسر فرعون را مثل آورده آنگاه که گفت پروردگارا پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان».

طبق این آیه، حضرت آسیه (س) پس از ایمان به خدا، با خوی استکباری فرعون - به‌رغم همه قدرت و شوکتی که داشت - مبارزه کرد، مهم‌ترین مبارزه در این مسیر، شکست ابهت فرعون بود تا شخصیت وی و امکاناتش تحقیر شده و بی‌ارزش تلقی گردد، زمانی که آسیه (س) به جای کاخ‌های عظیم فرعون، خانه‌ای در نزد خدا می‌خواهد (رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ)، هیمنه فرعون را ناچیز قلمداد می‌کند.

باور عمیق آسیه (س) به پروردگار، باعث استقامت وی گردید: لذا عرض کرد: رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ (تحریم: ۱۱). «رب» از ریشه رب به معنای مالکِ مُدَبِّر است (نجار زادگان، ۱۳۹۱)، قرآن با کلمه «رب» در این آیه، هم اعتقاد آسیه (س) به مالکیت پروردگار را ذکر کرد و هم تدبیرش را یادکرده است. علاوه بر واژه رب، محتوای کلی دعا نیز بیانگر آن است که آسیه (س) برای نجات از ظلم فرعون، تنها تکیه‌گاهش خداوند است و از او استمداد کرده و به او توکل دارد که نتیجه ایمان حقیقی به‌دوراز تعصب و تقلید کورکورانه است. عقاید توحیدی صحیح در زوال حکومت‌های فاسد و پیروزی حق‌گرایان مؤثر است (مدرسی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۲: ۲۱۸؛ قرشی بنابی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۸۲ و ج ۳ ص ۲۲۸)؛ زیرا رشد ایمان توحیدی، مردم را به تدریج به‌سوی تعارض و مبارزه با نظام حاکم مخالف توحید سوق می‌دهد تا جایی که دین الهی تحقق یابد (طالقانی، محمود، ۱۳۶۲، ج ۴: ۶ و ۷) و یک فرد یا جامعه مؤمن، با تکیه بر پشتوانه حقیقی یعنی توحید، در راه تحقق اهداف الهی مبارزه و استقامت می‌کند (مدرسی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۲: ۲۱۹) و می‌تواند انقلاب در حکومت‌های حاکمان غیر الهی و تمرد از طغوت‌های زمان را در پی داشته باشد (قطب، ۱۴۱۲ ق، ج ۳: ۱۵۷۱).

باور به معاد، از دیگر خصوصیات شناختی آسیه (س) است که همه نعمات مادی و زیبایی‌ها، امکانات و قدرت حکومت را نادیده گرفته و به معاد موعود ایمان آورده است، ایشان در هنگام شکنجه فرعون به موضوع معاد پرداخته و از خداوند، مقام بهشت برین را در جوار قرب الهی طلب می‌کند: إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ (تحریم: ۱۱)، به نظر برخی مفسران این مکان در نزدیک‌ترین نقطه به عرش الهی قرار دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۳۰: ۵۷۵). حضرت

می‌خواستند سنگ را بر سر او بیندازند دعای آسیه مستجاب شد و روخش به سوی خدا پرواز کرد و سنگ بر جسم بی‌روح او افتاد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۹: ۳۴۶ و ۳۴۷).

آسیه (س) در مقابل کاخ‌های عظیم و باغ‌های گسترده فرعون (اعراف: ۱۳۷؛ زخرف: ۵۱؛ دخان: ۲۵ - ۲۷؛ شعراء: ۵۷ و ۵۸)، خانه‌ای در بهشت خواست؛ در واقع وی از خدا دو کرامت طلب کرد: کرامت معنوی که حضور در نزد خدای متعالی است و کرامت صوری که استقرار در بهشت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۹: ۳۴۴ و ۳۴۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۹ ب: ۵۵۵).

نکته قابل‌تأمل در ایمان آسیه (س)، تکلیف محوری وی است؛ وی بدون توجه به قدرت مادی فرعون و بی‌اعتنا به تعداد نفرت کمی که به موسی ایمان آورده بودند (یونس: ۸۳)، ایمان خود را ابراز کرد، طبق تعالیم و حیانی، گاهی پیروزی‌های بزرگ با نفرت کم هم به ثمر می‌نشیند (بقره: ۲۴۹) همان‌گونه که امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرمایند در راه هدایت به دلیل کمی نفرت احساس وحشت نکنید: يَا مَعْشَرَ النَّاسِ لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلِّهِ أَهْلُهُ (تقفی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲: ۳۹۸؛ نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۲۸؛ نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۱).

#### -الگو بودن برای همه زنان و مردان آزاداندیش جهان-

خداوند در سوره تحریم آسیه (س) را مثلی برای مؤمنان معرفی کرده و می‌فرماید: وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَةً فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِّن فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِّنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (تحریم: ۱۱)؛ و برای کسانی که ایمان آورده‌اند خدا همسر فرعون را مثل آورده‌ است که گفت پروردگارا پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان. «مثل» به معنای مثل و نظیر است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۸: ۲۲۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۷۵۹) و به تشابه تام و کامل یک شیء با شیء دیگر در صفات برجسته و متمایز اطلاق می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۱: ۲۵) از این رو می‌توان آن را تعبیر دیگری از الگو دانست.

حضرت آسیه (س) در این آیه فقط برای زنان الگو نیست؛ بلکه هم برای مردان الگوست و هم برای زنان (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف، ج ۱۷: ۱۰۸)؛ زیرا قرآن بر اساس فرهنگ محاوره مردم سخن می‌گوید نه فقط فرهنگ مردان؛ از این رو مریم و آسیه را در دو آیه ۱۰ و ۱۱ سوره تحریم نمونه «مردم خوب» معرفی می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۷)؛ و در اسوه بودن، قرین حضرت ابراهیم علیه‌السلام (ممتحنه: ۴) و پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم (احزاب: ۲۱) قرار می‌دهد. آسیه (س) و مریم (س) در قرآن، زمانی به‌عنوان الگو مطرح گردید که در اندیشه عرب‌های عصر نزول، زن چندانی ارزشی نداشت (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ج ۴: ۵۰-۵۳؛ خراسانی، ۱۳۹۲: ۱۵۳-۱۶۸) و حتی در ادیان یهودی و مسیحی نیز از جایگاه شایسته‌ای برخوردار نبوده و نسبت به مرد در مرتبه پایین‌تری قرار داشت (بختیار، ۱۳۹۱: ۶۱-۷۳؛ نصیری، ۱۳۹۴: ۳۹-۶۲).

بررسی فضای نزول سوره تحریم، چرایی اشاره به حضرت آسیه (س) به‌عنوان الگو را بیشتر روشن می‌کند، این سوره در مدینه نازل شده (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰: ۴۶۸) و غرض از نزول آن، تأکید بر این نکته است که ایمان، کفر، ولایت و پیوند دینی، امری مربوط به خواست و اراده مستقیم خود افراد است و پیوندهای طبیعی از جمله روابط همسری، نقشی در اثبات یا نفی ولایت ندارد. پس علی‌رغم پیوندهای سببی، احتمال قطع پیوند ولایت و ایمان وجود دارد و علی‌رغم داشتن پیوندهای سببی با مدعی ولایت بر دیگران مثل فرعون، امکان ولایت و ایمان با خدا و رسول هست (بهجت پور، ۱۳۹۴: ۴۷۲). آغاز این سوره، ملامت زنان پیامبر خاتم است که با رفتار خود باعث ملال پیامبر شده بودند (آیات ۱ - ۵)، آیات بعدی به همه مؤمنان در باره تعلیم و تربیت خانواده هشدار می‌دهد (آیات ۶ - ۸) و به پیامبر امر می‌کند با کفار و منافقان جهاد کند (آیه ۹) و در آیات آخر این سوره، برای تبیین مباحث قبلی، شرح حال دو نفر از زنان صالح (مریم و همسر فرعون) و دو نفر از زنان ناصالح (همسر نوح و همسر لوط) را بیان کرده و هشدار می‌دهد که مسلمانان خود را با گروه اول هماهنگ کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴: ۲۶۷؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹ ق، ج ۲۲: ۳۰۵ و ۳۰۶). زمخشری آیات آخر را تعریض به حفصه و عایشه می‌داند که در ابتدای سوره مورد اشاره قرار گرفته است و بیان می‌کند که همسری پیامبر بدون اخلاص نفعی ندارد و آن دو باید در کسب اخلاص و کمال همچون آسیه (س) و مریم تلاش کنند (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ج ۴: ۵۷۱)؛ بنابراین آیات انتهایی سوره، استقلال زن را در بعد ایمان و اعتقاد و در محکمه عدل الهی از حساب همسرش نشان می‌دهد. (بازرگان، ۱۳۷۲، ج ۳: ۲۴۰ و ۲۴۱).

الگو بودن حضرت آسیه (س) نسبت به بقیه الگوهای قرآنی مانند حضرت مریم (س) (تحریم: ۱۲) امتیاز خاصی دارد؛ ایشان در شرایطی به‌عنوان الگو معرفی شده است که همسرش فرعون، ادعای خدایی می‌کرد (نازعات: ۲۴)، محل زندگی وی در دربار فرعون نیز مرکز ظلم و فساد بود، درحالی‌که کانون زندگی حضرت مریم (س)، کانونی پاک و سراسر ایمان بود. مادر مریم، موحدی بود که مریم را برای خدمت به خانه خدا نذر کرده بود (آل عمران: ۳۵) و مریم پس از تولد، تحت کفالت پیامبری همچون زکریا قرار داشت (آل عمران: ۳۷) از این رو شرایط محیطی حضرت آسیه (س) برای ایمان و الگو بودن نامساعد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲، ج ۲: ۳۱۰)؛ بنابراین حضرت آسیه (س) هم برای مردم عصر خود الگویی بود تا در ابراز عقیده و اندیشه خود، از ابهت فرعون و هیمنه دستگاه حکومت ترسند و هم برای مردم عصرهای بعد در تبعیت آزادانه از رهبران الهی و تلاش برای زوال حکومت‌های فرعون‌الگوست.

### بحث و نتیجه‌گیری

زن فرعون که در روایات با نام آسیه (س) معرفی شده است یکی از زنان مطرح زمان حضرت موسی (ع) است که جایگاه خاصی در قرآن و روایات نبوی دارد و به‌رغم برخی

تلاش‌های پژوهشگران، برخی جنبه‌های زندگی وی از مغفول مانده است. در پژوهش حاضر با تحلیل آیات قرآن و با کمک روایات تاریخی و تفسیری نقش ویژگی‌های شخصیتی حضرت آسیه (س) در زوال حکومت ظالمانه فرعون و پیروزی حضرت موسی (ع) مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت که بیانگر نقش مؤثر زنان در مبارزه با انحرافات سیاسی و ایجاد حکمرانی شایسته می‌باشد.

تحلیل محتوای تعابیر نقل شده در قرآن پیرامون گفتار و رفتار حضرت آسیه (س) و توجه به فضای نزول سوره‌هایی که در آن‌ها از ایشان سخن به میان آمده است نشان می‌دهد حضرت آسیه (س) در زوال حکومت فرعون به شرح زیر نقش داشته است:

الف: حضرت آسیه (س) با زیرکی، کاردانی و نفوذ در حکومت فرعون، جان حضرت موسی را در دوره کودکی از کشته شدن به دست فرعون نجات داد و موسی مهم‌ترین نقش را در نابودی حکومت فرعون داشت؛ بنابراین آسیه ابزار تحقق اراده الهی در نجات جان حضرت موسی (ع) بود. قرآن این مطلب را هم‌زمان با رحلت حضرت خدیجه (س) بیان کرده است تا همسانی این دو زن فرهیخته را در دفاع از پیامبر زمانشان و عدم تأثیرپذیری از محیط شرک‌آلود به تصویر بکشد و پشتیبانی از رهبران الهی، حمایت از مستضعفان و شکست جریان مستکبر را تضمین کند.

ب: آسیه (س) با آگاهی از تحولات سیاسی و اجتماعی عصر خود، توانست نقش بصیرت بخشی ایفا کند و با آزاداندیشی و استقلال فکری، بی‌اعتنا به امکانات مادی حکومت فرعون، اثبات کرد زنان سست‌عنصر و متزلزل نیستند و قادر به تأثیرگذاری در تحولات سیاسی - اجتماعی هستند.

ج: آسیه (س) به‌عنوان ملکه مصر، نزدیک‌ترین فرد به فرعون بود و با ایمان خود به خدا و معاد، ابهت دستگاه حکومت فرعون را شکست و ضربه روانی بزرگی به آن‌ها وارد کرد و به‌رغم شکنجه و تهدید به مرگ، از هدف خود منصرف نگشت.

د: قرآن کریم، حضرت آسیه (س) را الگویی برای همه مردان و زنان معرفی کرده است، آن هم در شرایطی که عرب‌های عصر نزول، جایگاهی برای زن قائل نبودند. معرفی آسیه (س) نسبت به بقیه اسوه‌های دیگر نظیر حضرت مریم (س)، امتیاز خاصی دارد؛ زیرا همسر آسیه ادعای خدایی می‌کرد و محیط زندگی وی، سرشار از ظلم و فساد بود. آیات قرآن پس از تخطئه دو نفر از همسران پیامبر (ص)، آسیه (س) و مریم (س) را الگو معرفی می‌کند تا نشان دهد پیوند دینی مربوط به اراده مستقیم خود افراد است و پیوندهای سببی و نسبی، نقشی در اثبات یا نفی ولایت ندارند. آسیه (س) الگویی برای همه مردم عصرهاست تا از هیمنه فرعون و فرعون صفتان ترسند در پذیرش حق و تبعیت از رهبران الهی، آزادانه عمل کنند.

### Referances

- Al-Rasoul, Sosan and Mohammad Khani, Tayyaba, (2013), "Effective principles in the intimate relationships of spouses by taking the example of Quranic verses and heavenly spouses", Women's Strategic Studies, No. 52.
- Alousi, Mahmoud, (1994), *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem*, Beirut, Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Aminpour, Saleh; God, Senior; Shafi, Bayan, (2017) "The role of women after the revolution and the establishment of the constitutional system", *Afaq Human Sciences*, No. 13.
- Alavian Karani, Seyyedeh Tahira, (2013), "Prominent characteristics of believing women mentioned in the Holy Quran and the role of those characteristics in life from the perspective of verses and traditions", Master's thesis in the field of Hadith Sciences, under the guidance of Kazem Ghazizadeh, Faculty of Hadith Sciences Tehran.
- Abu al-Fatuh Razi, Hossein bin Ali, (1987), *Ruz al-Jinnan and Ruh al-Jinan in Tafsir al-Qur'an*, Mashhad, Islamic Research Foundation, Astan Quds Razavi.
- Bazargan, Abdul Ali, (1993), *The Order of the Qur'an*, Tehran, Qalam Publications.
- Bukhari, Muhammad bin Ismail, (1989), *Sahih Al-Bukhari*, Cairo, Ministry of Endowments of the Arab Republic of Egypt and Committee for Revival of Sunnah Books of Majlis-ul-Aali for Islamic Affairs.
- Bakhtiar, Maryam and Rezaei, Akram, (2012), "Investigation of the status and position of women in Islam and Christianity", *Zan va Farhang*, no. 11.
- Behjatpour, Abdul Karim, (2011), *Hamgam with Wahi*, Qom, Tamhid.
- Behjatpour, Abdul Kareem, (2014), *the identification letter of the Quranic surahs*, Qom, Tamhid.
- Bayat, Fatemeh, (2014), *investigation of the character of Hazrat Asia (PBUH) from the point of view of verses and traditions*, Hamedan, Shahr Dana.
- Baydawi, Abdullah bin Omar, (1997); *Anwar al-Tanzir and the secrets of interpretation/ Tafsir al-Baydhawi*, Beirut, Dar Ihiya al-Trath al-Arabi.
- Ibn Athir, Ali bin Abi al-Karam, (1965), *Al-Kamal fi al-Tarikh*, Beirut, Dar Sadir - Dar Beirut.

- Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali, (2023), al-Khasal, Qom, Madrasin community.
- Ibn Babouyeh, Muhammad bin Ali, (1965), Al-Shar'i al-Shar'i, Qom, Davari Bookstore.
- Ibn Juzi, Abd al-Rahman bin Ali, (1991), al-Muntazam fi Tarikh al-Unulum wa al-Muluk, Beirut, Dar al-Kutub Al-Elamiya.
- Ibn Ashour, Muhammad Bin Tahir, (1984), Tahrir and Al-Tanweer, Tunis, Dar Al-Tunsiya Publishing House.
- Ibn Kathir, Ismail Ibn Kathir, (1987), Al-Badaiya Wal-Nahiya, Beirut, Dar Ehiya al-Trath al-Arabi.
- Ibn Attiyah, Abdul Haq bin Ghalib, (2001), the editor of al-Awjiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz, Beirut, Dar al-Kutub Al-Elamiya-Manshurat Muhammad Ali Bayzoun.
- Majlisi, Muhammad Baqir bin Muhammad Taqi, (1982), Bihar al-Anwar al-Jamaa Lederer Akhbar al-Imam al-Atahar, peace be upon him, Beirut, Dar Ihya al-Trath al-Arabi.
- Madrasi, Mohammad Taqi, (1998), Man Hoda al-Qur'an, Tehran, Dar Mohibi Al-Hussein.
- Nahj al-Balagha, Sharif Razi, Muhammad bin Hossein, (2008), researched by Sobhi Saleh, Qom, Hijra)
- Javadi Amoli, Abdullah, (2009), Nasim Andisheh, Qom, Isra.
- Javadi Amoli, Abdullah, (2010), Tafsir Tasnim, Qom, Isra.
- Kashani, Fathullah bin Shokrallah, (Beta), Manhaj al-Sadiqin fi muskhed al-makhalifin, Tehran, Islamia bookstore.
- Kashani, Fathullah bin Shukrullah, (2002), Zubda al-Tafaseer, Qom, Al-Maarif Islamic Foundation.
- Javadi Amoli, Abdullah, (2010), Monotheism in the Qur'an, Qom, Isra.
- Hojjati, Seyyed Mohammad Baqer, (1987), Islam and education and training, Tehran, Farhag Islamic Publishing House.
- Khorasani, Lotf Elah, (2013), Quran Creation Culture, Qom, Bostan Kitab.
- Fakhr Razi, Muhammad Ibn Omar, (1999), al-Tafsir al-Kabir / Mufatih al-Ghaib, Beirut, Darahiya al-Tarath al-Arabi.
- Farahidi, Khalil bin Ahmad, (1988), Kitab al-Ain, Qom, Hijrat.
- Fazlullah, Muhammad Hossein, (1998), Tafsir Man Wahi Al-Qur'an, Beirut, Dar al-Malak Lalprinta and Al-Nashr.
- Rash, M., (2008), Society and Politics, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran, Samt Publications.



- Ragheb Esfahani, Hossein bin Muhammad, (1991), Al-Qur'an vocabulary words, Beirut / Damascus, Dar al-Qalam / Al-Dar al-Shamiya.
- Rezaei Esfahani, Muhammad Ali, (2012), Logic of Qur'an Interpretation, Qom, Al-Mustafa International Translation and Publishing Center (peace be upon him).
- Samarqandi, Nasr bin Muhammad, (1995), Tafsir al-Samarqandi al-Masimi Bahr al-Uloom, Beirut, Dar al-Fakr.
- Shalabi, Mahmoud, (1991), Hayat Asiya Amrat Pharaoh, Beirut, Dar al-Jeil.
- Sadeghi Tehrani, Muhammad, (1985), Al-Furqan in Tafsir al-Qur'an with the Qur'an and Sunnah, Qom, Islamic Culture.
- Sanepour, Maryam, (2016), Maternal presence of women in power and politics, Women's Research Journal, 8th year, 1st issue.
- Thaghafi, Ibrahim bin Muhammad, (1989), Al-Gharat, Qom, Dar al-Katab al-Islami.
- Taleghani, Mahmoud, (1983), A Light from the Qur'an, Tehran, publishing company.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein, (1996), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Islamic Publications Office of Qom Seminary Society.
- Tabarani, Suleiman bin Ahmad, (2008 AD), Al-Tafsir al-Kabeer/ Tafsir al-Qur'an al-Azeem, Irbid, Dar al-Kitab al-Thaqafi.
- Tabarsi, Hasan bin Fazl, (1991), Makarem al-Akhlaq, Qom, Sharif Razi.
- Tabarsi, Fazl bin Hassan, (1993), Majmall Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Tehran, Nasser Khosro Publishing.
- Tabari, Muhammad bin Jarir, (1991), Jame al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an / Tafsir al-Tabari, Beirut, Dar al-Marfa'a.
- Tabari, Muhammad bin Jarir, (1967), Tarikh al-Unulum wa al-Muluk / Tarikh al-Tabari, Beirut, Dar al-Tarath.
- Tusi, Muhammad bin Hassan, (Bita), al-Tabayan fi Tafsir al-Qur'an, Beirut, Dar Ahya Al-Tarath al-Arabi.
- Qur'an Karim (Translated by Mohammad Mehdi Foadvand, (1994), Tehran, Office of Islamic Studies and Education)
- Qaraati, Mohsen, (2009), Tafsir Noor, Tehran, Cultural Center of Lessons from the Qur'an.
- Qorshi Banabi, Ali Akbar, (1996), Tafsir Ahsan al-Hadith, Tehran, Baath Foundation.

- 
- Qutb, Seyyed, (1991), in the shadows of the Qur'an, Beirut, Dar al-Shoroq.
- Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, (1986), Al-Kashf on the facts of the mystery of the transfer and the eyes of the narrators in the ways of interpretation, Beirut, Dar al-Kitab al-Arabi.
- Zamordi, Hamira; Hakima, Fatemeh, (2012), "Criticism of the interpretation of the position of Asia (S) in mystical texts from the 4th century to the end of the 7th century", Persian Language and Literature Research, No. 31.

## The role of personality traits of Hazrat Asia (PBUH) in the decline of Pharaoh's rule

*Ahmad Amiri*  
*Ahad Davari chelaghaei*

### Abstract

The Holy Qur'an considers women as influential in the destiny of society as men, so it mentions some of their characteristics and enumerates some of their doctrinal, moral and behavioral points. It narrates a sensitive and influential stage of her life that shows the important role of women in socio-political issues. The present study seeks to explain the role of personality traits in the decline of Pharaoh's rule and the victory of Prophet Moses (pbuh) by analyzing the verses related to the Prophet (pbuh) and using historical, narrative and interpretive sources. Findings show that Hazrat Asiya (PBUH) was the instrument of realization of the divine will in saving the life of Moses (PBUH) and had an active and insightful presence in the socio-political arenas and as one of the closest people to Pharaoh, with faith in Moses (PBUH) ), Has broken the majesty of Pharaoh and is a model for all men and women of his time and later ages, in free thinking and intellectual independence and not being affected by environmental corruption.

**Keywords:** Quranic women, Asia, Prophet Moses, Pharaoh, Holy Quran